

فهرست

هفت	سخنی با خواننده
۱	آغاز سخن
۳	درآمد
۱۳	۱. کجا؟
۱۷	۲. کی؟
۲۷	۳. کئی؟
۴۱	۴. اختیار
۵۱	۵. معرفت
۶۹	۶. خدا
۸۵	۷. واقعیت
۹۹	۸. تجربه
۱۱۳	۹. آگاهی
۱۱۹	۱۰. کیهان
۱۳۱	۱۱. مرگ
۱۴۳	۱۲. معنا
۱۵۹	۱۳. اخلاق
۱۶۹	۱۴. ارزشها
۱۹۳	پایان سخن

سخنی با خواننده

حافظه تاریخی بشر نام سقراط را به همراه پرسش و پرسشگری ثبت کرده است. پرسشهای پی در پی سقراط تا بنیان باورهای افراد ادامه می‌یافت، آرامش خیالی دانیان را برهم می‌زد، ذهنشان را برمی‌آشفته و آنان را به تأمل وامی‌داشت. گرچه نسلهای بعد گفت‌وگوهای سقراط را از زبان افلاطون شنیدند اما گاه شیوه سقراط و پیام خوداندیشی او، که روح فلسفه است، در هیاهوی آرا و نظرات متفاوت گم شد و از دیده‌ها پنهان ماند.

اگر با لشک کولاکوفسکی^۱ همصدا شویم که «فیلسوف نه بذر می‌باشد و نه محصول برمی‌دارد. او تنها خاک را زیر و رو می‌کند و شخم می‌زند»، و کار فلسفه را «ایجاد شک در امور به ظاهر روشن و قابل درک»^۲ و درگیر شدن با مسئله بدانیم، آن‌گاه باید بگوییم که این کتاب براستی فلسفه است.

نویسندگان این کتاب در زمانه‌ای که بشر بسیار قدرتمندتر و ذهنش بسیار انباشته‌تر از دوران سقراط است ما را به شیوه سقراطی به عرصه داشته‌ها و دانش‌هایمان می‌برند تا در پایان راه، «نمی‌دانم» سقراط را بر زبانمان جاری سازند. «نمی‌دانم»ی که به بیان آنان اصل حکمت است.

1. Leszek Kolakowski

۲. کولاکوفسکی، لشک. درسهایی کوچک در باب معقولاتی بزرگ (دفتر دوم)، ترجمه دکتر روشن وزیری. تهران: طرح نو، ۱۳۷۷، ص ۱۶.

هشت پرسیدن مهمتر از پاسخ دادن است

آنان از ما درباره چیزهایی می‌پرسند که بدیهی و روشن می‌پنداریم و هر سؤالی را درباره آنها احمقانه و دور از خرد. آنان از مکان می‌پرسند و از «جا» می‌پرسند که ایستاده‌ایم و از زمان و «آن» می‌پرسند که بسر می‌بریم و اینکه «کیستیم»، و وقتی از «من»، «مکان من»، «زمان من» و ... سخن می‌گوییم در واقع از چه سخن می‌گوییم؟ آیا واقعاً «مختاریم»؟ اگر آری چقدر و تا کجا؟ و اصلاً کدام کار ما مختارانه است؟ آیا دانش ما معتبر است و به حقیقت راه می‌برد؟ آیا استدلالهای خداپاورانه ما را به ایمان مبتنی بر راز سوق می‌دهند یا نه؟ آیا تجربه می‌تواند دست ما را در دست واقعیت و حقیقت بگذارد؟ ایمان چگونه؟ ... شیوه بایسته زندگی چیست؟ آیا بقا و جاودانگی در انتظار ماست؟ و ...

پس از این گونه پرسشها و به چالش کشاندن پاسخهای مرسوم و مألوف است که ما هم با نویسندگان کتاب همصدا می‌شویم که خرد در همین پرسشگری است. شاید بگویید اینها سؤالی که کهن است که به آنها پاسخهایی شایسته و از زوایای متفاوت داده‌اند، چه نیازی به طرح مجدد آنها؟ از طرف دیگر، آیا این روش ما را به عرصه بی‌معنایی و آشوبناکی وارد نمی‌کند؟ بی‌شک پاسخهای داده‌شده فراوان‌اند، اما ادعای نویسندگان طرح پرسش و تمرین خوداندیشی است. نویسندگان کتاب هیچ ادعایی در دادن پاسخهای بهتر یا حتی نادرست بودن قطعی پاسخهای قبلی ندارند. گویی تنها می‌خواهند با طرح پرسشهای مکرر و به زیر سؤال بردن پاسخهای داده‌شده ما را متوجه نقطه کورهای ذهن و ابزارهای دست بشر سازند.

کمی بیندیشیم: اگر کسی، حتی نه چندان فاضل و دانشمند، پاسخهای داده‌شده را مورد پرسش قرار دهد آیا ما، به عنوان کسی که مثلاً به اختیار قائلیم یا دانش خود را معتبر و درست می‌دانیم، یا به جاودانگی باور داریم یا با نظر آنان در باب علم یا معنای زندگی یا ارزشها و واقعیتها و ... موافق نیستیم، نباید پاسخی درخور باور یا ایمان خود فراهم

سخنی با خواننده نه

آوریم؟ از سوی دیگر، راهی که آنان ما را بدان فرامی‌خوانند عرصه خوداندیشی است و فلسفه‌ورزی، تمرینی که در پی خود، شاید در بادی امر آشوبناکی به همراه داشته باشد اما در نهایت علاوه بر دقت در باورها بعید نیست که شور ایمان و امید هم به ارمغان آورد.

لذت خواندن این کتاب را اولین بار در کلاس «قرائت و ترجمه متون فلسفی» در «مؤسسه معرفت و پژوهش» چشیدم و ترجمه آن را ادای دینی می‌دانم به این کلاس و مدرّس آن آقای هومن پناهنده که با معرفی این اثر و توجه دادن به باریک‌بینی‌های نویسندگان آن لذت را دوچندان کردند. جا دارد سپاس قلبی خود را از ایشان به خاطر قبول زحمت ویرایش و راهنمایی‌های فراتر از حد مرسوم ابراز دارم. امیدوارم این کتاب، چنان که امید نویسندگانش است، ما را به عرصه خوداندیشی و فلسفه‌ورزی وارد و میدان دید ما را فراخ‌تر سازد.

بیاید یک بار دیگر مانند دوران کودکی لذت بازی را تجربه کنیم: بنایی را که ساخته‌ایم فرو ریزیم و تکه تکه از نو بسازیم. شاید حاصل کار بنایی محکمتر و زیباتر از بنای قبلی باشد.

مترجم

پرسیدن مهم‌تر از پاسخ دادن است

درآمدی بر فلسفه

